

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مسعود امیدی
۰۲ می ۲۰۲۲

اول ماه می ، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری مبارک باد!



اول ماه می یادآور یکی از برجسته‌ترین فرازهای مبارزه طبقاتی کارگران جهان در مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری است که اینک به عنوان یک نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی، اخلاقی و ... بر جهان مسلط است. اگر چه سیستم سرمایه‌داری در زمان پیدایش خود در برابر سیستم فئودالیسم، دارای وجه متری و به نوعی حامل ارزش‌های مدرنیته، لیبرالیسم، تولید صنعتی و انبوه، افزایش اشتغال و مصرف و رفاه اجتماعی، نوعی دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در برابر حاکمیت‌های استبدادی و مطلقه نظام‌های فئودالی بود، اما بسیار زود با گسترش سیستم و شکل‌گیری طبقه سرمایه‌دار و طبقه کارگر و در نتیجه مطرح شدن تضاد کار و سرمایه به عنوان تضاد اساسی جامعه و مبارزات اجتماعی و طبقاتی بین این دو طبقه، همین سیستم سرمایه‌داری حامل ارزش‌های متری در برابر فئودالیسم، چهره‌ای ارتجاعی، ضدانسانی و سرکوبگر در برابر طبقه کارگر و زحمتکشان از خود به نمایش گذاشت. طبقه سرمایه‌دار با غیرانسانی‌ترین شکل ممکن، اقدام به استثمار بی‌رحمانه کارگران کرد که البته با مبارزه طبقه کارگر روبه رو شد. اما طبقه سرمایه‌دار با در اختیار داشتن دولت و سیستم سرکوب اجتماعی، بارها اقدام به سرکوب خونین اعتراضات و جنبش‌های مطالباتی طبقه کارگر در سطح جهان کرد. اول ماه می تنها یادآور یکی از این رویدادهای خونین در سال ۱۸۸۶ امریکاست که چند سال بعد به همت فعالان جنبش کارگری و ضدسرمایه‌داری به یک روز تاریخی و جهانی برای گردهم‌آنی، هم‌اندیشی، تقویت انسجام و آگاهی طبقاتی و همبستگی طبقه کارگر در برابر سیستم سرمایه‌داری در جهان تبدیل شد.

سرمایه‌داری در روند رشد خود و در جست و جوی منابع مواد اولیه و بازار فروش و مصرف، خیلی زود وارد رقابت شدید شد و از مجموعه ویژگی‌هایی چون تمرکز و تولید سرمایه و شکل‌گیری‌گیری انحصارها، ادغام سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی و ایجاد الیگارش‌های سرمایه‌مالی، افزایش اهمیت صدور سرمایه در کنار صدور کالا، شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی انحصاری سرمایه‌داری در قالب کارتل‌ها و تراست‌ها و سرانجام رقابت و مبارزه برای تقسیم جهان بین آن‌ها برخوردار شد که معرف دوران جدیدی در حیات این سیستم به نام امپریالیسم است. این دوران با تهاجم‌ها، تجاوزگری و جنگ‌های بسیار فراوان برای بقاء و تداوم سیستم سرمایه‌داری همراه شد که دو نمونه برجسته آن جنگ‌های جهانی اول و دوم بودند که تنها در جنگ جهانی دوم با کشتار ۶۰ میلیون انسان همراه شد. پس از آن نیز شاهد تجاوزها، کودتاها و جنگ‌های فراوانی در نتیجه توسعه‌طلبی‌های امپریالیستی و به ویژه امپریالیسم امریکا مواجه هستیم که با پیامدهای ویرانگر و تلفات انسانی بسیار زیادی همراه بوده‌اند. سیستم سرمایه‌داری اگر در زمان پیدایش خود به نوعی حامل ترقی‌خواهی، لیبرالیسم، رشد و توسعه صنعتی، تولید و مصرف انبوه و ... بود، به دلیل ماهیت خود و تضادها و ویژگی‌های ذاتی خود، بسیار زود به سیستمی تبدیل گردید که نماینده افزایش فقر و فاصله طبقاتی، سرکوب و دیکتاتوری، جنگ و تجاوز، تخریب و نابودی محیط زیست، تخریب نهادهای دموکراتیک و برآمد فاشیسم و نئوفاشیسم، تهدید معیشت، امنیت اجتماعی و صلح و همه ارزش‌های اجتماعی است. با جهانی‌سازی سیستم سرمایه‌داری، مبارزه علیه این سیستم دیگر نمی‌تواند به مبارزه در یک کارخانه، صنف، شهر، کشور، قاره و یا به حوزه‌های اقتصادی، سیاسی ... محدود گردد. امروز تضاد کار و سرمایه در عرصه جهانی و در حوزه‌های گسترده مطرح است.

بزرگداشت روز جهانی کارگر و تجدید پیمان برای مبارزه علیه این سیستم، مستلزم شناخت ماهیت و کارکرد سیستم سرمایه‌داری جهانی امروز حاکم بر جهان و به ویژه مستلزم شناخت ایدئولوژی نئولیبرالیسم است که از سوی نهادهای بین‌المللی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی در قالب سازوکارهایی با عناوین خصوصی‌سازی، مقررات زدائی، حذف یارانه‌ها و ... در جهت کالائی‌سازی و مالی‌سازی خدمات اجتماعی و حذف دولت‌های رفاه و دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر بر مردم جهان تحمیل شده است تا همه دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر در قرن گذشته را بازپس‌گیرد. گرامیداشت روز جهانی کارگر، مستلزم مبارزه علیه مجتمع‌های نظامی-صنعتی، مبارزه علیه یکجانبه‌گرایی در حوزه بین‌الملل و تحت سیطره امپریالیسم امریکا، مبارزه علیه بازگشت دوباره فاشیسم و برآمد نئوفاشیسم و فرسایش و تخریب نهادهای دموکراتیک، مبارزه علیه امپریالیسم رسانه‌ای، مبارزه علیه انحصار تکنولوژی، مبارزه علیه طرح‌های تجاوزکارانه به نقاط مختلف جهان و تهدید استقلال کشورهای به اصطلاح نافرمان و غیرمطیع آن‌ها و مداخله و تجزیه این کشورها در جهت تسلط بر آن‌ها، مستلزم درک و مقابله با اهداف و برنامه‌های ژئوپولیتیک امپریالیسم در مناطق مختلف جهان، مبارزه علیه تبعیت نهادهای حقوق بین‌الملل از شرکت-دولت‌های تحت کنترل سرمایه‌های فراملیتی و دفاع از استقلال این‌نهادها، مبارزه علیه سیستم‌های سرکوب امنیتی و پولیسی بسیار پیشرفته و حکومت‌ها و دولت‌های کیفرگر برای مهار جنبش‌های اجتماعی در سطح جهانی، مبارزه علیه انحصار رسانه‌ای و انحصار اطلاعاتی، مبارزه برای همه ارزش‌های دموکراتیک و عدالت‌خواهانه، مبارزه برای کار و معیشت و به عبارتی نان و کار و آزادی، رفاه اجتماعی، برخورداری همه از آموزش و بهداشت رایگان، برخورداری از خدمات مسکن، صلح، آزادی، عدالت، حفاظت از محیط زیست و تغییر جهان تک‌قطبی در جهت چندجانبه‌گرایی و ... است.

بی تردید این مبارزه گسترده، نیازمند آگاهی طبقاتی، انسجام و سازمان‌یابی طبقه کارگر و توده‌های وسیع مردم زحمتکش در سازمان‌ها و نهادهای صنفی و اجتماعی و طبقاتی و سیاسی در سطوح مختلف منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است. بدهی است که این مبارزه جهانی در دنیای واقعیت در محل‌های کار و زندگی، در شهرها و کشورها روی می‌دهد و کارگران در این راستا پیش از همه با کارفرمایان و حامیان آن‌ها در نظام‌های حاکمیتی کشورهای خود مواجه می‌شوند و در این مبارزه پیش از همه، مدافعان سیستم سرمایه‌داری در حاکمیت‌های کشورهای خود را در برابر خود می‌بینند و برای دستیابی به خواسته‌های خود با آن‌ها درگیرند. اما در هم تنیدگی و تأثیر متقابل تضادهای مختلف، گاه این صف‌بندی‌ها را از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار می‌کند که تشخیص جهت و جایگاه درست را برای برخی که از آگاهی کمتری از روند تحولات و کارکرد سیستم جهانی سرمایه‌داری و پویائی شناسی آن برخوردارند، با ابهام و مشکل همراه می‌کند.

کار آگاه‌گرانه و سازمان‌گرانه و تشخیص گرایش مسلط بر روند تحولات در راستای تقویت مبارزه طبقه کارگر و ارزش‌های آن از جمله آزادی، صلح و استقلال، دموکراسی، عدالت اجتماعی و رهائی از سیطره ارزش‌های سنتی و دستیابی به ارزش‌های مدرن و سکولار (به ویژه در جوامعی چون جامعه ایران که نظام حاکمیتی با این‌گونه ارزش‌های مدرن و سکولار سازگاری نشان نمی‌دهد)، اجتناب‌ناپذیر است. همه این‌ها البته نه تنها به هیچ وجه نافی مبارزات توده‌های کار و زحمت برای نان، کار، آزادی و معیشت خود نیست، بلکه مبارزه کارگران و زحمتکشان در یک کشور در واقع بخشی از مبارزه طبقاتی و جهانی طبقه کارگر علیه سیستم سرمایه‌داری جهانی است. تنها با چنین رویکردی است که شعار همبستگی جهانی کارگران معنی پیدا می‌کند.

رشد و گسترش اعتراضات کارگری و توده‌های وسیع مردم در جامعه ما برای مطالبات صنفی، معیشتی و دموکراتیک مشهود است. حاکمیت نیز آن را می‌بیند. از یک سو با توجه به ماهیت، ساختار و جایگاه و جهت‌گیری اجتماعی و طبقاتی خود قادر به پاسخگویی به مطالبات فزاینده جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی نیست و از سوی دیگر نیز نمی‌تواند آن را به حال خود رها کند و نظاره‌گر رشد و توسعه و تعمیق آن باشد و از این رو مهار و کنترل آن را به هر قیمتی در دستور کار خود قرار داده است. از سوی دیگر هیچ الترناتیو سیاسی مترقی و برخوردار از وزن اجتماعی و سیاسی و نیروی هژمونی در برابر این وضعیت نیز در برابر کارگران معترض و توده‌های مردم مشاهده نمی‌شود. این وضعیت دربردارنده این ظرفیت است که از یک سو شرایط را برای سوء استفاده امپریالیسم از نارضایتی‌ها و اعتراضات مردم در جهت اهداف خود فراهم می‌کند که موضوع پنهانی نیست و از سوی دیگر بیش از پیش شرایط داخل را برای ظهور نوعی بناپارتیسم فراهم‌تر کرده است. این دومی بسیار محتمل‌تر و ملموس‌تر به نظر می‌رسد. این وضعیت در شرایط پراکندگی نیروهای مترقی، مخاطرات بسیار جدی برای جنبش کارگری و ملی و دموکراتیک [با تأکید بر جهت‌گیری اجتماعی (سوسیالیستی) آن] ایجاد کرده است.

امیدوار باشیم که گرامیداشت روز جهانی کارگر با افزایش درک از این شرایط و پیچیدگی‌های آن و با چاره‌جویی‌های راهگشا برای اقدامات و کنش‌های اجتماعی و سیاسی اثربخش در جهت اهداف طبقه کارگر و توده‌های وسیع زحمتکشان همراه باشد.

۱۱ اردیبهشت- ثور ۱۴۰۱